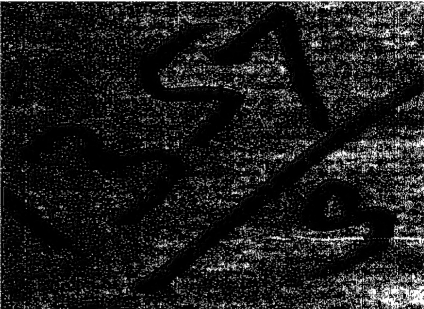


1
2
3
4
5



وَمَنْ يَتُودِكُمْ كُلٌّ عَلَى اللَّهِ فَوْقَ حَسَبِهِ



مَطْبَعُ مَدِينَةِ مِصْرَ
مُطْبَعُ مَدِينَةِ مِصْرَ
مُطْبَعُ مَدِينَةِ مِصْرَ

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين الصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله واصحابه اجمعين بدانکه این سالة
مختصر ترجمه رساله حضرت خواجہ حسن بصری است رضی الله عنه که از مضمون آیات و مفہوم
احادیث نبوی است صلی الله علیه وسلم کہ امام حضرت خواجہ حسن بصری رحمہ الله تعالی
علیہ بیکلی از زہدان و دوستان خود کہ در مکہ معظمہ مکرمہ صاہبہا الله تعالی الی یوم الدین ساکن
بود و میخواست کہ از تنگ حالی خود از مکہ مکرمہ برآید نوشتہ فرستادند و بغایت ترغیب و تحریص
بر سکونت نمودند و سخنان نرم و دہشت و نصائح و رست دلالتہ بر اقامت نمودند و فرمودند کہ مقام
در مکہ معظمہ سعادت ابدی است و بر آمدن از آن تفاوت سمدی اگر ترا اینجا و فلو حاصل
شود بہتر است کہ دوبار از جای دیگر بآیی و فرمودند عجیب است از عقل تو کہ نیت بر آمدن کردہ بعد
از آنی کہ حق تعالی ترا بفضل خود از اہل حرم کردانید و ہمسایہ خود ساخت تمام عالم درین آرزو
ہستند از ہزاران یکی را این دولت عظیمہ میسر میکرد پس ہر آنکہ سگراہین نعمت بجا آورد و ادا
کہ در جامعہ حیات ہستی زہار از کتبہ بیرون مشو کہ شیطان ترا خرابی میخواند و بر خود لازم دان صبر
و تقوی و آداب را تحقیق کہ مکہ بہترین و دوسترین زمین است عند الله و بزرگترین از ہمہ رو
زمین است و فضیلت اودہ است اورا بر جمیع شہرہا و یاد کردہ است اورا در قرآن مجید زیادہ
از نسبت آیت خود و فضیلت آن رسول صلی الله علیہ وسلم چندین احادیث فرمودہ است کہ از حد

شمار بیرون است و اندک ازان انبث که درین رساله مختصر ذکر کرده است بدانکه در خیر است
 که روزی رسول الله صلی الله علیه و سلم از آنکه مغظمه بدر بنه منوره هجرت کرد و در باب خروژه
 با ستاد و رو بکعبه گریه کرد و گفت بدرستیکه تو بهترین شهر را و دوستان زمین نزد حق سبحانه
 و تعالی هستی و گریه آن بودی که مشرکان مرا بیرون کردند و از تو بیرون نرفتند و هم آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم فرمودند که بهترین بلاد روی زمین و دوستان شهر را نزد خداست تعالی مکه مبارکه است
 و تمام روی زمین را از زیر او کشیده اند پس ازان نام و اقامه آنقری نهادند یعنی مادر شهر را و اول
 گوهری که بر روی زمین پیدا شد جیل ابو قیس است و او اول طائفه که طواف زمین مکه مکرّمه کردند ملائکه
 بودند پیش از آنکه یا فریدن حق تعالی ابوالبشر آدم علیه السلام را بدو نذر اسرار شیخ و بیچ فرشته نیت
 که حق سبحانه و تعالی فرستاد او را از بهشت آسمان بزمین الا آنکه غسل کند زیر عرش و فرود آید
 بحرم پس نزل کند بکعبه مغظمه که طواف هفتگانه بجا آورد و در خلف مقام ابراهیم علیه السلام
 دو رکعت نماز بکشد بعد ازان برود بجاری که او را مامور کرده اند و بهم آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 فرمود که هیچ پیغامبری از قوم خود نکمرخت مگر آنکه بکعبه مبارکه می آمد و عبادت حق سبحانه و تعالی
 میکرد تا وفات مییافت و بهم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود بدرستیکه در حوالی کعبه مکرّمه
 قبر سیصد تن از پیغامبران است که ایشان باز گشتگی و پیش از آنکه شیده صبر کرده اند تا آنکه وفات
 یافتند و قبر اسمعیل علیه السلام و مادر او و آجره علیها السلام در خیر است یعنی در حطیم که جانب ناودان
 کعبه است و پیغامبری از پیغامبران که چون قوم ایشان با ایشان ایمان ناورده اند و ایشان را در و عکو
 گفته و ایشان از قوم خود کمرخت آمده اند در کعبه مغظمه عبادت میکردند تا وفات مییافتند و بهم آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم فرمود که هر کس در حج یا در عمره بمیرد او را عرض حساب نکنند و گویند در آتی بهشت
 بی حساب و بی عقاب و بهم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که اسمعیل بن ابراهیم علیهما
 السلام شکایت کرد و بحضرت خداست تعالی اگر مای که پس می ماند از حق سبحانه و تعالی بوی که بدستی
 من بکنایم برای تو در حجر دروازه ای بهشت که نسیم بهشت پرسته ترا ازان در بیرون می آمده باشد

تاروز قیامت فصل است که روزی امیرالمومنین حضرت عثمان ابن عفان رضی الله تعالی عنہ
 باصحاب خود ملاقات کرد و گفت که از من پرسید که از کجایم آنی اصحاب گفتند که بفرا بید که از کجای
 آیند گفت بر در بهشت استاده بودم و حال آنکه زیر ناودان کعبه استاده بود و دعا میکرد و بهم
 آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بدستیکه نزدیک رکن یحیی در می از درهای بهشت است و هیچ احد
 دعا نکند نزدیک حجر الاسود مگر آنکه خدا تعالی دعای او را مستجاب فرماید و میان رکن یحیی و حجر الاسود
 روضه ایست از ریاض بهشت و بهم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر کس که در کعبه معتزم میزد
 حالتی که احرام حج یا عمره بسته باشد برانگیزد و از خدا تعالی روز قیامت بی حساب بی عذاب و
 گویند و آری در بهشت از بهر دری که خواهی و بهم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر کس که در ماه
 رمضان روز دوازدهم که بد خدا تعالی او را ثواب صد هزار ماه که در غیر کعبه روزه دارد و دیگر گفت
 نماز مسجد الحرام برابری میکند بعد از رکعت که در غیر آن مسجد بگذارد و اگر جماعت بگذارد یکی بعد
 هزار و پانصد نماز محسوب است چنانچه بستم و پنجاه رکعت باشد و هر کس که یک روز در کعبه بیار شود حرام
 کرد و از خدا تعالی تن و او را از آتش و زرخ و هر کس که یک روز صبر کند بر گرمای مکه تا یک ساعت دور گردد
 خدا تعالی تن و او را از آتش و زرخ هزار ساله راه و نزدیک گرداند به بهشت و وئیت ساله راه و بهم
 آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بدانید که که و مدینه و مازنا پاک میکند از کثافت چنانچه پاک میکند و آنکه آهین
 آهین او بهم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر کس که صبر میکند بر سختی مکر و مات مکه منکر رسول خدایم
 ترو حق سبحانه و تعالی شفاعت او خواهد کرد در روز قیامت و بدانید که اهل مکه خاصان خدایند و
 همسایگان خانان و بنده و بهترین و ادبها و ادبی حضرت ابراهیم است علیه السلام که عبارت از کعبه
 است و هر کس که نماز بگذارد در حجر یا در برابر در کعبه از کثافت پاک شود و بهترین بقعهای نزدیک
 خدا تعالی کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام و منترم و بهترین چاهها چاه زمزم است و نظر کردن
 بسوی زمزم امان است از نفاق و هر کس که آب زمزم بخورد و بهر نیت که خواهد و باید و بهم
 آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که مؤمن نظر کند بسوی کعبه از برای کنایان گذشته و آئینده

مگر آنکه او آمرزیده شود و روز قیامت دو رمان خداستعالی باشد و فرمود هر کس که دو رکعت نماز بکند و
 در سجده الحرام بنویسد خدا تعالی برای هر رکعت او دو هزار و پانصد نماز و هم آنحضرت صلی الله علیه
 و سلم فرمود آنکسانی که حج و عمره میکنند که ده خدایند و هر چه خواهند بد خدا تعالی ایشانرا و دعایشانرا
 اجابت کند و آنچه نفقه کند در راه حج عوض بد خدا تعالی هر روز بیست و سه مرتبه قسم بان خدائی که نفس بوالقاع
 بید قدرت اوست که هیچ تهللی و تکیه‌ری نیست که حاجیان گویند الا که همه ایشان موافقت ایشان
 تهللی و تکیه گویند حتی زمین هم و هم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که از عمره تا عمره کفارت
 کنا بان است و حج پسندیده را جز نیست الا بهشت پسند که حج پسندیده که است فرمودند آنکه مردم را
 طعام دهند و بر هر که رسند سلام کنند و هم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که آنچه حاجیان در راه
 حج نفقه میکنند عوض بد خدا تعالی ایشانرا پیش از هر که براه چندان و بان خدای که نفس محمد بید قدرت
 اوست که هر روز بی ازان در هم در وزن کران تر باشد ازین جبل اشارت بجبل ارفیس است
 و هم فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم هر که نظر کند بسوی کعبه بی آنکه طواف کند و نماز نکند از روز قیامت
 است نزد خدا تعالی از عبادت یکساله که در غیر مکه باشد از روزه و نماز شب و رکوع و سجود و هم
 حضرت پیغامبر صلی الله علیه و سلم فرمود هر که بنشیند روی کعبه کرده بکساعت خاصه برای خدا
 و رسول خدا و برای تعظیم کعبه بد حق جل و علا او را مثل ثواب کسی که حج کز ازه باشد
 و عمره آورده و جهاد کرده و اسب در راه خدا تعالی دوانیده باشد از برای جهاد و روزه و است
 باشد و هم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که خدا تعالی اول نظر رحمت باهل مکه میکند هر که او را طواف
 یا در نماز یا در سجده یا روی کعبه کرده یا مرزد او را ملائکه گویند باقی مانند مکر جماعتی که در خدای
 حق سبحانه تعالی فرماید که ایشانرا نیز داخل آمرزیدگان کنند و هم آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 فرمود هر که در ایام ماه رمضان او را که و تمام ماه روزه دارد و نماز تراویح و نماز شب بکند
 و آنچه که تواند خدا تعالی از برای وی ثواب صد هزار ماه رمضان که در غیر مکه باشد بد و او را بعد
 هر روزی ازان مغفرتی و شفاعتی و بعد هر روزی در جرد برشت و بعد هر روزی ثواب

بنده آزاد کننده و بهم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که دریکه بودن سعادت است و بیرون
 رفتن از آن شقاوت بزرگ است این حدیث نزد اکثر علما محضین موضوع است بر تقدیر صحت ورود
 وی معنی آنست که اگر کسی را عجا ورت مکه معظمه میسر شود و آداب این مکان قدسی شایسته آنست
 نگاهداری سعادت است و اگر باختیار خود بطلب نیا و حظ نفس بضرورت می بر آید نشان شقا
 است و الله الا و الله تعالی اعلم و بهم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود هر که طواف کند کعبه را
 هفت نوبت در روز یا بستان در کرهای سخت سر برهنه بود و در هر نوبت که بحجرا لا سودرسد
 و او را بوسه دهد چنانکه اید ابکس رساند و سخن نیا نگوید مگر ذکر حق تعالی بعد هر قدمی که نهد و بر
 هفتاد هزار حسنه او را نویسد و بلند کرد و اندازد برای او هفتاد هزار حسنه و محو کنند از نامه
 اعمال او هفتاد هزار سیئات و بهم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که فضیلت حاجی بیاه
 بر حاجی سوار همچون فضیلت ماه شب چهارده بر دیگر ستارها و بهم آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 فرمود که حاجی سواره را بهر کاهمی که نهد و بردارد هفتصد هزار حسنه حرم است پرسیست
 که یا رسول الله حسنه حرم کدام است فرمود که حسنه بعد از حسنه است و بهم آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم فرمود اگر قریش مکان کسی را مصادف کند بر آینه غازیان را یا کسی را که با مادر
 و پدر بکوفتی کرده باشد یا کسی را که در کعبه طواف کند و بهم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که
 اگر در کعبه نریزد هفتاد هزار نلک اند که آمرزش میخواهند برای کسی که طواف کند و بهم آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم فرمود که طواف کعبه کردن در آمدن است در رحمت خدا تعالی بدرستی که
 خدا تعالی مباحات میکند بر طواف کنندگان کعبه بر طائف و بهم آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 فرمود که حج کسی که مقبول شده باشد او را از آن شفاعت چهار صد تن است از بزرگواران این
 اوز از مسلمانان و بیگ روایت هر چند که خواهد حق سبحانه و تعالی بخشد و بهم آنحضرت صلی
 الله علیه و سلم فرمود که عمره ماه رمضان برابری میکند با حج و بر وایتی برابری میکند با حج که با
 من کز ایند و بهم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود هر که در حرم کعبه میرد همچنان است که در آسمان

چهارم مده باشد و هر که در حرم مدینه بمیرد همچنان است که در آسمان اول مرده باشد و هم آنحضرت
صلی الله علیه و سلم فرمود که اطراف حجون و بقیع را بگیرند و در روز قیامت در بهشت افشانند همچون کورستان
مکه است و مشهور است بمعلا و بقیع کورستان مدینه است و هم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود
که بر انگیزند خدا تعالی از کورستان مکه هفتاد هزار شهید که بچایاب در آیند و بهشت و روضای
ایشان همچون شب چاره باشد و هر یک هفتاد نفر را شفاعت کنند پس سیدند یار رسول المشایخ
چه کسانی اند فرمود که ایشان غیر باند و هم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که هر که بخانه که در آید
در رحمت خدا تعالی در آید باشد و چون بیرون آید آمرزیده بیرون آید باشد و هم آنحضرت
صلی الله علیه و سلم فرمود که نیست هیچ عمل فاضل تر از حج پسندیده و فرمود هر که حج گوارد و ذکر
فست نکرده و خوش نرفته و حرام نخورده باشد همچنان باشد که از مادر این زمان زائیده باشد بیگناه
و هم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود بدستیکه خدا تعالی هر روز صد و بیست رحمت بر آن
خانه گزیده میفرستد شخص از برای طواف کنندگان در کعبه و چهل برای نمازگزاران در مکان و بیست
برای نشینندگان روی کعبه و نظر کردن بکعبه عبادت است و هم آنحضرت صلی الله علیه و سلم
فرمود جهادی که خرد و بزرگ ضعیفان و نسوان میتوانند در حج و عمره است و فرمود که هر که
صبر کند بر کرمای مکه ساعتی از روزی صد ساله راه دوزخ از وی دور کنند و هر که یکروز بیمار
شود در مکه نبوی خدا تعالی از برای او عمل صالح که میکند در فخر مکه عبادت شخصت ساله و هم
آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که حجر الاسود و بحین خدا تعالی است در زمین که مصافحه میکنند بآن
باند با همچنان باشد که شما با برادران مومن مصافحه میکنید و هر که بیعت رسول صلی الله علیه و سلم در دنیا
پس از آن دست حجر الاسود رساند بدستیکه بیعت با خدای و رسول خدا صلی الله علیه و سلم کرده باشد
و هم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که حجر الاسود و مقام ابراهیم علیه السلام باینند در
روز قیامت و هر یک بزرگی مثل کوه ابو قیس باشد و هر یک از ایشان را چشمها و زبان باشد و کوهها
و هندیانانی که ایشان را در یافته اند و بعد ابراهیم علیه السلام و فاکرده اند روزی که ایشان را بچرخ خوانند

است و هم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که هر که حج کند از برای مادر و پدر خود بنویسد از برای او حج
 مخصوص و دیگر از برای مادر و پدر او و فرمود که هیچ مقبول بهتر است از دنیا و هر چه دنیا باشد و هم فرمود
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم هر که برای مرد حج کند بی آنکه وصیت کرده باشد بنویسد خدا استعالی برای
 آن مرده حجی و از برای حج کننده هفتاد حج و هم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که باقی مانده در
 روی زمین چیزی از بهشت غیر از حجر الاسود و مقام ابراهیم علیه السلام و اگر نه آن بودی که مشرکان
 در زبان جالبه آنرا بستان خود ساس کرده بودندی و هیچ بیماری از وی طلب نشا نکردی مگر آنکه آن
 بیمار شفا یافتی و هم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که طواف بسیار بکنی پیش از آنکه حایل شو و میان
 شما و میان کعبه مانعی که کوتیا که حق می بینم مردی را که آدم سرست و با کعبه خانه کعبه شسته و بر می کند یک
 سنگ و او را فرمود که هر که دو رکعت نماز در مسجد الحرام بکند از بهجت آن است که هزار رکعت در مسجد من گزارده
 باشد یعنی در مسجد مدینه و یک رکعت نماز در مسجد من فاضل تر است از هزار رکعت در غیر آن و هم آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم فرمود که زیارت کرده باشد مراد حیات من کسی که زیارت کند قبر مرا برابر است از زیارت کننده
 من بدانند که او را چه اجر است بر آنکه بیاید زیارت قبر من غرغان یعنی تیز و همچو عرابه طفل و خواجہ حسن
 رضی الله عنه میفرماید که نمیدانم هیچ شهری بروی زمین که هر عمل خیری که در و کند یکی را بعد هزار نویسد غیر از کعبه
 مبارکه و نیز نمیدانم هیچ شهر را بر روی زمین که در و شرب ابرار و مصلحا را بخیر باشد غیر از کعبه شریفه زیرا که
 ابن عباس رضی الله تعالی عنهما فرمود که شراب ابرار از فرم است و مصلحا آخیا از زیر ناودان و نمیدانم هیچ
 شهر را بر روی زمین که حق سبحانه و تعالی بیغم خود را امر کرده باشد که فلان موضع را جامه نماز خود کن الا که که
 آنجا فرموده و آنجا امن و قاطر اللهیم مصلی و نمیدانم هیچ شهر را بر روی زمین که لجب و نظر کردن عباد
 نویسنده بی آنکه نماز گزارد یا طواف کند الا که معظم و نمیدانم هیچ شهر را بر روی زمین که طاعتی
 نکنند در و که اجر رسد الا که و افطار و رکعت افضل است از روز و یکساله و جای خواب کردن در و
 بهتر است از نماز شب در غیر او و نمیدانم هیچ شهر را بر روی زمین که بر خیزند در و ز قیامت از انبیا
 و صدیقان و ابرار و فقها و عباد و مصلحا و آخیا از مردان و زنان ایشان جمله استگاران باشند

روز قیامت از عذاب خدا استعالی الا در که و نیکانم هیچ شهر بر روی زمین از دعام که منمود آید
 در و از روح و را تحت ثبت الا که و نیکانم هیچ شهر بر روی زمین که مستجاب شود و دعام الا که
 که در بازنده موضع در که و حوالی او که دعام مستجاب میشود اول چون نظر بکعبه افتد دوم نزدیک حجر الاسود
 سوم در نهم چهارم در زیر ناودان کعبه پنجم نزدیک کن یحانی ششم میان رکن حجر الاسود و مقام
 ابراهیم علیه السلام هفتم اندرون خانه کعبه ششم پس مقام ابراهیم علیه السلام هفتم در حطیم و هشتم در سحره
 نهم یازدهم در صفا و دوازدهم در مروه سیزدهم در سناتر و یک حرات ثلث چهاردهم در در و دهم پانزدهم
 در عرفات و امام المشایخ حضرت خواجه حسن کبیری رحمه الله علیه میگوید که غنیمت در دیدن این موضع را که محل
 اجابت دعاست بکنید و دعام تضرع و چون از کعبه بیرون روید از بركت این موضع محروم نمائید و نیکانم
 هیچ شهر بر روی زمین که هم اینها بر سرسل و پیغامبران و ملائکه علیهم الصلوٰه و السلام بسوی آمده اند
 الا که و نیکانم هیچ شهر بر روی زمین که در پای بهشت بسوی او گشاده شوند از روز قیامت الا که یک
 د نزدیک باب کعبه است و یک نزدیک ناودان کعبه و یک نزدیک حجر الاسود و یک نزدیک رکن
 یحانی و یک نزدیک صفا و یک نزدیک مروه و یک نزدیک چاه زفرم و یک درون خانه کعبه و هیچ احد
 در خانه کعبه نیاید الا بركت حق تعالی و بیرون نرو و الا بغفرت حق جل و علا و هم آنحضرت صلی
 الله علیه و سلم فرمود هر که استطاعت دارد که در کعبه یا در مدینه اقامت کند و هم آنجا بمیرد اول کسی که
 شفاعت او را کنم منم در روز قیامت و رستگار باشد از عذاب خدا استعالی و بروی نه حساب باشد
 نه عقاب و هم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که منظر کنید الا بسوی مسجد اول مسجد الحرام
 دوم مسجد نبی مسجد مدینه سوم مسجد اقصی که یک نماز در مسجد الحرام برابری میکند بعد از نماز جای
 دیگر و در مسجد مدینه بعد از نماز جای دیگر و در مسجد اقصی برابری میکند با صد نماز جای دیگر و فرمود صلی
 علیه و سلم که هر که یک نظر بکعبه کند گناہان او را بیامزد اگر چه بعد از کف دریا و یک بیابان باشد و چون
 روز عرفه شود و خلق در موقف عرفات حاضر شوند رحمت خدا استعالی الخلق نزدیک شود و با سعاد
 دنیا آمده و بعد از آن در عالم آسمان بکشایند پس مباحثات کند خدای عز و جل بجا جلیان بر فرشتگان خود

پس بفرماید بنیاد بنکان مرا که بعبادت من برآمده اند و ولیده موسی و کرد آلوده روی از راهبار دور
 بامید حضرت آمده اند بدستیکه همایشان را بیا مژدیم و ندانند بازگردید ای بنندگان من همه را مژدیم
 و کتایان شمارا عفو کردم هر که انخواهید شفاعت کنید اگر چه کتایان بشمار یک بیابان و کف دریا
 و بعد ستارای آسمان بعد قطر پای را نباشد به آفریدیم بدستیکه من از رحم الوهانه
 ام و رحمت من بهمی چرخد و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که حج اسلام بگذارد
 همه کتایان او آمرزیده شود پس از آن فرشته بیاید و دست میان و دوشانه بند و بگوید
 که ای بنده کینه گار آید بسیار که کار گذشته تو بکفایت شود و گویند کتایان بزرگتر از آن
 نیست که چون بنده از عرفات بازگردد کتایان او عفو گردد و باز گوید که آمرزیده شده باشم
 و خدا استعالی را یک نوع حجت است که چون بزرگتر آید و خبر و میشود نه خبر و نصیب اهل که
 و یک و نصیب اهل تمام عالم بداند که فضائل حج و عمره و بزرگی حرم از حساب بیرون است
 که کتایان بهر کلان از فضائل او پرست و در آن هیچ سنگی نیست و شک کننده محروم است
 اخلاص عقیده و تقیه حلال و نیت نیک در کار است تا نتیجه عمل ظاهر شود و نیاید از عمل است و از
 و از نتیجه عمل باید کرد بدل حاضر و قلب شمع بنده را بنیاد و نتیجه را امیدوار باید بود و ان الله
 لا یضییع أجر المحسنین و السلام علی من اتبع الهدی بسم الله الرحمن الرحیم
 بداند که در صحف آدم علیه السلام سورتی نازل شد که ترجمه آن نیت است که من آن خدا ایم
 که مکر را بیا فریدم و کعبه را باضافتی بتی مشرف ساختم پس کتایان مکر را بجان من
 باشند و مکر را با اهل آسمان و زمین معمودارم تا آنکه هر روز بنقشاند هزار فرشته را بنفرسم که طواف
 بیت المعمور کنند و بزرگترین آیند و طواف کعبه بگردانند و از آنجا بر تهر قدس و در عالم صلی
 علیه و سلم روند و ایشان باز نیایند و همچنان هر روز بنقشاند هزار دیگر فرستم و در ایام حج
 هزار حاجی بیایند و اگر از آدمیان آنقدر نباشند از ملائکه بنفرسم تا آن عدد را کمال کنند
 و چون فوج فوج باموسی ژولیده و روی کرد آلوده بکیه گویان با خروشن تلبیه و سبح

بگویند و بنیت خالص اعتقاد درست از خانه‌های خود بدر آورند پس ایشان بزیارت من آمده اند و
 بضیافت رسیده اند و بجناب کبریائی من نزول کرده اند بزرگوارم من واجب هست که
 ایشان را با جبرئیل و ثواب جمیل و عطیات و افزونگی کرامات مسکنه مخصوص و مخطوط گردانم
 و سیئات ایشان را محو سازم و درجات ایشان را بلند گردانم ای آدم عمارت کعبه را بپشت
 پسر تو بر اینهم جلیل با تمام رسانم و انبر اسیم را بطفیل این خانه کرامات علیه و عطیات سایه بخششم
 بعد وی با ولاد وی از رحمت خود معمور دارم و در آخر الامر مگر بسلطنت و بدین نبوت پسر تو
 محمد را از مکه طالع سازم و تاقیامت با امت او اینجا و این شهر را معمور دارم و این فرزند ترا
 خاتم النبیین گردانم پس هر که در موسوم حج خواهد که مراد یابد بداند که من نزدیک جماعت فقرا ام
 که موی پریشان و روی گرد آلوده دارند و در بار من خوش ایفا میکنند و روی خود را
 متوجه من ساخته اند و در مناسک نورالدین ملا عبدالحق دهلوی که از کبار محدثین و متأخرین است علیه
 السلام میفرمود که اسامی و فضیلت حج مطلقا ترغیب و ران بسیار واقع شده است خصوصا
 در بخاری و مسلم واقع شده که هر که حج کرد برای خدا و رفت و فسق نکرد پاک گردانده و گناه چنان
 امر و زکویا را در شناده و نیز در حدیث بخاری و مسلم مذکور است که عمره تا عمره دیگر کفارت
 گناهان است از آنچه که واقع است در میان از گناهان و حج مبروریت جزای او بکبریه است و
 نیز آمده است که عمره در رمضان برابر است با حج و در بعضی وایت آمده است که حجی که همراه پیغمبر کند
 صلی الله علیه و سلم و در حدیث امام ترمذی از امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه آمده که گفت رسول
 صلی الله علیه و سلم هر که مالک شوزاد و راحله را که برساند او را به بیت الله و حج نکرد و تفاوت
 نمیکند که بپیر و یهودی و این غایت تغلیط و تشدید در وعید است بترک حج و اشتهار
 است با ترک وی چنانچه نیست نهایت و کفران نعمت است و تخصیص یهودی و نصرانی از جهت
 آن باشد که ایشان اهل ملت اند و کتابهای خدا تعالی میخوانند و بدان عمل نمیکند بخلاف کفار دیگر
 و تمام دارمی نیز این حدیث را آورده از ابی امامه رضی الله تعالی عنهما این لفظ هر که منع نکند او را

از حج حاجت ظاهر یا سلطان جابر یا مریض عباس پس بید و حج نکرارد برابرست که یهودی
 بید و یا نصرانی و در حدیث ابی داود و ابن ماجه از امام سلمه رضی الله تعالی عنهما آمده است که گفت
 شنیدم از رسول صلی الله علیه و سلم که گفت هر که احرام بپوشد و حج یا عمره از مسجد الاقصی بسوی مسجد
 الحرام آورده شود و او را از آنچه پیش ازین کرده از کنا بان و آنچه پس ازین کند و او را و او را و او را
 از ابن عباس رضی الله تعالی عنهما آورده که گفت رسول صلی الله علیه و سلم هر که خواهد که حج
 کند باید که شبانی کند و بیتهای از ابی هریره رضی الله تعالی عنه آورده اند که گفت رسول صلی
 الله علیه و سلم هر که بر آید برای حج یا عمره یا برای غزای پس بید و در راه بنویسد خدا شتعلی برا
 او اجر غازی و حاجی و معتمر و در بعضی روایات زیاده کرده هر سالی یعنی هر سال از برای او
 حج و غزاه و عمره نویسد فطوبی که انتهی و در زاد الحج آورده است که در حدیث قدسی آمده است
 که ای بنده ترا صحت ادم و معیشت برابر تو فرخ کردم بر تو پنج سال بگذشت که سوی من
 میل نکردی از فضلت بزرگ و رحمت اکمل من نا امید شدی بدانکه از همین حدیث دلیل گرفته اند
 بعضی که بعد از پنج سال فرض است حج باز نعوذ میکنند یعنی بعد از پنج سال حج کردن لازم
 است و الله تعالی اعلم و هشتم در حدیث فرمود که هر کس مالک شود تو شوم و مرکب که برساند
 او را بیت الله و حج نکند و غیرت حج کرده باشد پس بیت هر حجت بروی اینکه بید و یهودی
 یا نصرانی و نهم در حدیث بلفظ دیگر آمده است که هر که بید و حج نیاورده باشد و باز ندانسته
 باشد او را حج آوردن بیماری بود سلطان جابر و نه بخبر بجا بجا برابرست اینکه او یهودی
 بید و یا ترسا و نهم در حدیث آمده است که هر که حج نکند و وصیت هم نکند حج حق سبحانه قبول
 نکند و زقیامت هیچ عمل او را و روایت کند ابن عباس رضی الله تعالی عنهما
 هر که مال بود و استطاعت حج دارد و حج نیاورد و بران حال بید و آید آتش و فرخ
 و آید آتش و فرخ و آید آتش و فرخ و آید آتش و فرخ و آید آتش و فرخ و آید آتش و فرخ و آید آتش و فرخ
 حضرت او نباشد کفارت گناه هفتاد ساله میشود پس حج مقبول را ثواب بحساب است

امام محمد بن حسن نقاش المفسر مناسک حج و گفت که در کتب معتبره چهل جای مکان قبولیت و علایق
 و از برای هر مکانی وقتی معین کرده شد چنانچه اکثر از آن مذکور میگردد اینست خلت مقام
 ابراهیم علیه السلام و تحت المیزاب وقت سحر نزد رکن یحیی وقت نماز فجر و نزد حجر الاسود نصف
 النهار و نزد منبر نصف اللیل و بر سر چاه زمزم غروب آفتاب و در اندرون خانه کعبه بیان
 دو ستون اول وقت زوال و در وقت آمدن از باب السلام و بالا صفا و مرده بعد از عصر و در خانه
 خدیجه کبری رضی الله عنها که آنرا بقعة الوحی میگویند شب جمعه در مولد النبوی صلی الله علیه و سلم روز دوشنبه
 وقت زوال و در دارالخیزان که قریب صفاست بین العتایش و درینا شب چهار و هفتم ماه و در مسجد
 لبش که نزدیک حضرت اسمعیل علیه السلام است و در مسجد الحرام در مرفقه قبل از طلوع آفتاب و در عرفات
 و در موضعی که تحت السدره میگویند وقت زوال و در موقوف جانب چپ جبل الرحمة وقت غروب
 و در مسجد السحر که مقابل مسجد بیعت است روز چهارشنبه و در مکتب روز یکشنبه و در غار جبل ثور و در
 مسجد بیعت که قریب بمناست جانب دست چپ رونده و در غار مرسلات که آنجا سورة و المرسلات
 نازل شده است و آن غار پهلوی مسجد خیف است و نیز در مغاره فتح در زمین که صخرة عائشہ میگویند
 رضی الله عنها و عند ما معبد النبوی صلی الله علیه و سلم قبل النبوة والد عامر موكده فیها و رباطه و تحت
 و بالای جبل ابی قیس وقت ظهر و فی روایت حر اویر مطلقا و نزد قبر حضرت خدیجه کبری
 رضی الله تعالی عنها و نزد قبر سفیان ابن عیینہ و قبر شیخ فضیل بن عیاض و قبر امام عبدالکریم
 ابن ہوازن القشیری و قبر شیخ ابو الحسن الشیولی و قبر عبدالحسن بن ابی عمید و صاحب المقام
 ای مقام ابراهیم علیه السلام و آخر روز جمعه رضی الله تعالی عنهم اجمعین باید دانست که در قبولیت
 و عاریتگی نیست در دنیا و در آخرت البته نتیجه اوطا هر خواهد شد حق تعالی حکیم کریم است اگر در دنیا
 مصلحت بنده نباشد در آخرت قبول عا و را خواهد ساخت ان شاء الله تعالی رب العالمین بفضلہ و کرمہ

تمام شد

دانستن اوقات استیجاب دعوات در ایام جمعه معلوم اند اینست روز شنبه روز یکشنبه

روز دوشنبه روز سه شنبه روز چهارشنبه روز پنجشنبه روز جمعه باید که از مملکت
 ایام مذکوره غافل نشود که بفضل الهی مقصود رسد فواتد و از ده کار روایت میکند
 عبد الله ابن عباس رضی الله تعالی عنه از حضرت رسالت پناه صلوٰۃ الله تعالی علیه
 والسلام که فرمود این دوازده کلمات منتخب است از تورات و انجیل و زبور و فرقان
 باید که هر مومنی که این را بر ورق کاغذ بنویسد و هر روز بر آن نظر کند و بر آن عمل نماید
 بر کزیده حضرت خدایتعالی باشد **کلمه اول** حضرت حق سبحانه و تعالی فرماید ای فرزند
 آدم غم روزی مخور یاد آدم که خزینه رحمت و نعمت من پرست و خزینه من هرگز خالی نشود
کلمه دوم ای فرزند آدم از سلاطین پادشاهان و امرا و بزرگان و اعیان و اشراف و اعیان من علی الله
 باقی است **کلمه سوم** ای فرزند آدم با کسی انس و محبت مگیر و از کسی چیزی مطلب و ادا
 که مرایایی و هرگاه که مرا طلب کنی بیایی **کلمه چهارم** ای فرزند آدم همه چیز را از برای تو آفریدم
 و ترا از برای خود پس خود را بر دیگران خوار مکن **کلمه پنجم** ای فرزند آدم همچنان من از
 تو عمل فدائی طلبم تو نیز از من روزی فردا مطلب بزرگی بیت گوید تا توانی بخوری غم
 فردا امر و روزی چون بفردا برسی روزی فردا برسد **کلمه ششم** ای فرزند آدم چنانچه
 از پید کردن آسمانها و هفت زمین با عا جزی نیامده ام از پید کردن تو و رزق رسانیدن
 تو عا جزی نیامدم و ترا روزی بلا شک من **کلمه هفتم** ای فرزند آدم چنانکه روزی ترا فوت
 نمیسازم تو عبادت مرا نیز فوت مکن و مخالفت در امر من مکن **کلمه هشتم** ای فرزند آدم آنچه
 قسمت تو کرده ام بدان راضی باش از هوای نفس و بطانی دل خود را از وسوسه با مخر اشت
کلمه نهم ای فرزند آدم من محب تو ام و تو محب من باش و همیشه از غم غشوق محبت من
 خالی مباش **کلمه دهم** ای فرزند آدم از قبر من این میباش تا از پیل صراط منذری و پایی درشت
 نهی کلیر باز دهم ای فرزند آدم در غضب میسوی بر من برای مصلحت نفس خویش و غضب
 نمیکنی بر نفس خود و جهت حصول رضای من **کلمه دوازدهم** ای فرزند آدم اگر تقصیر

من راضی شوی نفس خود را بر یانی از عذاب من اگر بدان راضی نشوی و یونفس را بر تو
 نگارم تا ترا چون حشیان بر یابان بادوانیده باشد بغت و جلال من که نیایی مگر بر آنچه
 ترا در تقدیر کرده ام

تمام شد

ساخته

حضرت اسماعیل فرج الله علیه السلام بن حضرت بی بی باجره و حضرت اسحق نبی علیه السلام بن بی

بست بیخ مواعظ و نصیحت از صنف حضرت ابراهیم خلیل الله علیه السلام

منقول است کعب جبار رضی الله تعالی عنه میگوید که در صحف ابراهیم علیه السلام مر قوم است
 قَوْمًا مَهْلًا يَا اِبْنَ آدَمَ فَإِنَّ الرِّزْقَ مَقْسُومٌ وَالْحَرِيصُ خَسِرَ دُومٌ وَالْجَبِيلُ مَذْمُومٌ وَالْحَسْبُ
 مَعْمُومٌ وَاللَّيْثُ لَا تَدُومُ وَالرَّزَاقُ مَعَ الْحَقِّ الْقَيُّومِ نصیحت دوم ای پسر آدم بتو
 مرغی شنود ام از تو بنماز و خدیت روز بروز تو نیز از من راضی باش بزرق و زبر روز
 نصیحت سوم ای پسر آدم پیش فرست آنچه در دست خود داری برای آن روز که پیش
 داری نصیحت چهارم ای پسر آدم شکر گذاری کن کسی را که در باره تو انعام فرموده و
 انعام کن بر حق آنکه شکر گذاری تو نموده نصیحت پنجم ای پسر آدم همه عمر در طلب دنیا فانی
 کردی پس طلب آخرت کی خواهی کرد نصیحت ششم ای پسر آدم بدستیکه آفریده ام بر آشی چاه
 تو پوششی که عبارت از یک است تا چون چیزی نادی در پیش نظر تو در آید فی الحال چشم خود از آن
 بپوشانی و پنهان از برای دامن تو طبقه از زبان تو تریب کرده ام تا چون سخنی ناگفتنی باشد از آن
 لب بندی نصیحت هفتم ای پسر آدم از آنها مباش که طلب دنیا کنند بطول اکل و آرزوی عقبی
 بزم تعلیل عمل سخن ایشان موافق عابدان بود فاما عمل ایشان مطابق منافقان باشد اگر عطا
 قناعت نکنند و اگر مرادی از ایشان باز دارند صبر نکنند پس اگر معامله تو بران منوال گذرد و تریب
 گرفتار کرد اثم که همه عالمیان از تو تجربه بردارند نصیحت هشتم ای پسر آدم هر که ترا دوست میدارد و بر

خود دوست میدارد و سوگند بغیرت من که من ترا برای تو دوست میدارم زینهار که خود را از
 من بنباست بخل ورنه اندازی نصیحت نهم ای پسر بنی آدم در کردن تو و مخلصه آنوخته ام
 در یکی عیوب تو و در دیگری عیوب مردم تو همواره چشم از عیوب خود برداشته و چشم بر عیوب
 خلق انداخته این از انصاف است نصیحت دهم ای بنی آدم نه هر که کلمه لا اله الا الله بگوید
 به بهشت در آید مگر کسی که بآن چند عمل دیگر جمع کند یکی تواضع نماید در درگاه من و عمر خود را بگذراند
 بیا من نفس خود را از محرمات بازدارد برای من و غریبار در جوار خود جا دهد و با فقر اموا
 کند و بریتیمان رحم نماید برای رضای من نصیحت یازدهم ای پسر آدم چون در دل خود قساوتی
 یابی یا در بدن خود بیماری مشاهده کنی یا داراموال خود فتنه انگیز کنی یا در روزی خود حرمانی
 مطالعه نمائی بدانکه اینها همه از شامت سخنان مالا یعنی است که بآن حکم کرده نصیحت دوازدهم ای پسر
 آدم اگر تو بهشت را دوست میداری خدای جل جلاله را دوست میدارد و تو عمل کن با آنچه دوست
 منست یعنی طاعت تا در آرام تر ادرا آنچه دوست تست یعنی در بهشت و اگر تو مکره میداری و در رخ را
 خدایتعالی نیز مکره میدارد معصیت را پس تو ترک کن مکره مرا یعنی عصیان تا من نگاه دارم
 ترا از مکره تو یعنی دفع نصیحت سیزدهم ای پسر آدم از شبهاست اجتناب نمائی تا مرا بشناسی
 اگر سنگدیش کن تا مرا ببینی و خود را برای من قانع ساز تا من اصل شوی نصیحت چهاردهم سکین
 پسر آدم اگر برای بهشت آن مقدار عمل کند که از برای دنیا کند خداوند سبحان او را بحساب بهشت وارد
 و اگر قناعت کند با آنچه خداوند تعالی داده او را از کل خلق مستغنی فرماید و اگر ترک حرام کند
 دین خود را خالص گرداند و اگر ترک دروغ کند از جمله صدیقان شود نصیحت پانزدهم ای پسر آدم
 هر چه داری از محتاجان بازگیر تا من نیز باز ندارم از تو آنچه دارم و گرامی دارم همان مرا چنانچه
 من گرامی میدارم همان ترا بهتر از من عظیم علیه السلام عرض کرد خداوند امان تو کیست تا او را اگر
 دارم و حی آنکه هر فقیری و حقیری که نزد تو آید بدانکه همان من است نصیحت شانزدهم ای پسر آدم
 همه شما خطاکارانید و من همه بخشنم بن باز کرد و پس تو تو بکن تا من بیامرزم و پاک ندارم

نصیحت نفیسم ای پسر آدم مرا یاد کن چون غضب بر تو ستولی کرد و تا ترا یاد کنم بر حمت خود
 در وقتی که غضب من ظهور کند نصیحت هشتم ای پسر آدم هر که از من ارضی شود بقلیلی از رزق
 من نیز ارضی شوم از وی بقلیلی از عمل نصیحت نهم ای پسر آدم آنچه نیست یکی خاصه از
 من بود یک خاصه از ان تو و یکی از ان میان من و تو آنکه خاصه هست روح است در بدن تو و آنکه خاصه
 تو است عمل است و آنکه میان من و دست از تو دعا و از من اجابت پس نهما محجوب نگردانی دعا
 خود را از من بجز خیر ارم نصیحت دهم ای پسر آدم بانقدر که میل میکند دل تو بدنیای بیرون کنم محبت خود را
 از دل تو و آن مقدار که حرص کنی در دنیا بیرون برم طراوت ایمان را از سینه تو ای پسر آدم
 ترا برای آن بفریم که تو دنیا جمع کنی بلکه برای عبادت خود آفریم و برای آنکه باز داری عفو
 مظلومان را از درگاه من بدست نیکی دعا مظلوم را اجابت میکنم و اگر چند فرصتی در میان افتد
 نصیحت یکم ای پسر آدم روز نشو و کمر آنکه برای تو رزق نبصرستم و در برابر آن فرستگان
 من از تو عمل ناپسندیده بجناب من بیازد روزی من بخوری و عصیان می ورزی و با وجود این دعا
 میکنی اجابت میکنم و هر چه بطلی عطا میدهم و ترا بهشت میخواهم و اجابت نمیکنی نصیحت بیست و دوم
 ای پسر آدم تقرب جوی تو با من با نفل و جوار من بپست آری عمارت مساجد و رضای من بطلب
 بهشتی با علما و دروغ کور اهل ترک کن تا ملائکه من بمصافحه تو تصرف جویند و غیبت را بکند از بهشت
 من بتوشاق شود و مرا بعد نماز باید دو و نماز دیگر ساعتی یاد کن تا ما بین این دو وقت از برای
 تو کفایت کنم نصیحت بیست و سوم ای پسر آدم از دعا ملول مشو که من از اجابت ملول نمیشوم و جنبه
 در معاصی اسراف کرده باشی نو میدن باشی از رحمت من فَإِنَّ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ای پسر آدم
 بی سوال و بطلب ایمانی بفضل خود کرامت کردم پس چگونه بخلی کنم با تو بهشت با وجود آنهم سوال
 و طلب نصیحت بیست و چهارم ای پسر آدم به پیوند با کسی که از تو میرود عطا ده با آنکه ترا محروم کند و سخن
 کن با کسی که از تو زبان باز گیرد و نصیحت کن هر که در باره تو خیانت کند و عفو کن هر که در باره تو ظلم
 کند و نکوهی کن با هر که با تو بدی کند تا از جمله سابقان باشی بجهت و از زمره قاصدان رحمت و

ترا این مسامحت ثواب بقدر پیغام بکرامت کنم نصیحت است و پیغمبر این آدم الرجل الرجل تزود
 فان السفر بعيدا وخفت فان العقبة كاد واخصل العمل فان الديان تصير وكونه این
 نصیحت آخرین بود از نصیحت صحیفه ابراهیم علیه السلام در روایت است که ابراهیم علیه السلام
 از حضرت حق سبحانه تعالی سوال کرد که خداوند اچسب جزای آن بنده که خیاره او باقی
 از ترس تو تر شود حق تعالی جواب فرمود که ای ابراهیم جزای او مغفرت من و بهشت من و جنان من و
 سوال کرد که خداوند اچسب جزای آنکس که مستغفل تبتی و بیوه بود و فرمود ای خلیل من جزای او آنکه
 او را در میان عرش خود جاویدم در روز قیامت ابراهیم گفت رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ لَكَ الْحَمْدُ

تمام شد

ذکر عمر بهتر از ابراهیم خلیل الله علیه السلام و اخذ
 میثاق از بهتر اسمعیل علیه السلام و سپردن او تا بوقت سکینه یا حضرت

بدانکه عمر حضرت ابراهیم علیه السلام بنده این کتاب صد و هشتاد و پنج سال بود و در معارف
 دویست سال تعیین نموده و در اخبار الزمان مسعودی صد و نود و پنج سال نوشته و علماء توارخ
 قول مسعودی را ترجیح داده اند و علماء حدیث بر دویست سال اتفاق کرده اند و اسد اعلم و محمد حقا
 گوید که چون عمر ابراهیم علیه السلام آخر رسید تا بوقت سکینه که از آدم علیه السلام با حضرت رسید
 و آن تا بوقت بود که بعد از پیغمبری خانه از زبرجد سبز روی مرتب بود و آخر خانه حضرت
 محمد رسول الله صلی الله تعالی علیه و سلم در آن خانه دیباچه بود و چهار روی صورت آن حضرت کتبت
 و از راست آن صورت که بی مرقوم ساخته و آن صورت صدیق اکبر بود رضی الله تعالی عنه و بر پیشانی
 وی نوشته که اول کسی که دایره تصدیق این پیغمبر گردیده حق نهاد و باشد و از بسیار وی صورت
 فاروق اعظم رضی الله عنه ثبت کرده و بر پیشانی وی نوشته که دروینداری چون آهن محکم بود و از

لائمان نمانید و از حق بآن صورت ذی الثورین عثمان منقش کرده و بر پیشانی وی نوشته
 که این اسم خلفا را شنیدین است و از مقابل آن صورت علی رضی الله عنهم اجمعین ترسیم
 و شمشیر بر نه بردوش وی نهاده و بر پیشانی او نوشته که او شیر حمله کننده است که هرگز
 گریزان نشود و خدا تعالی در رسول و رادوست و ازید و نیز و خدا را و رسول او را دوست
 دارد و در حوالی خلفا صور اصحاب از مهاجر و انصار که بر شیده بعد از ان ابراهیم علیه السلام
 آن را طلبیده و او را خود را گفت تا نظر در آن صور را بنمایا کرد و ندانستند که همه انبیا از صلب متر
 اسحق پیغمبر علیه السلام خواهند بود و الا محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم که او از صلب اسمعیل علیه
 السلام خواهد بود انگاه اسمعیل را گفت که مرا فرموده اند که از میان او را خود عهد و میثاق
 از تو فرما گیرم تا این نو محمدی وضع کنی الا مطهرات بنکاح و او را بکوه بنیبر برد و آنجا ابرایره
 سفینه ظاهر شد و مشک خالص بر ایشان ببارید و عهد و میثاق از اسمعیل فر گرفت و عهد نامه
 معهوده از وی بستند و تا بوقت سکینه ویرا سپرد و بجانب قدس مراجعت فرمود و در آنجا
 دعوت حق را اجابت فرمود و در بعض روایات توشیح این عهد بعد اتمام بنام رکعبه
 که میمیرا و یافته و الله اعلم روزی ابراهیم لطلب ضیعت بیرون آمده در صحرا پیری و دیه ضعیف
 که پیاده پامیر و مجازه برای طلب بیعت یهود بفرستاد و او را سوار نزد آنحضرت حاضر کردند
 و آنحضرت طعام طلبیدند که بهجه که بخورند آن پیر لقمه از آن برداشت تا در دهان برد گاهی بسوی
 چشم میرد و گاهی بسوی گوش و چون در دهان فرود بردی سترج از دبر بیرون رفتی
 و حضرت ابراهیم با حضرت حق تعالی عهدی بسته بود که تا فوت خود را از حضرت خداوندی
 مسئلت نکند پیک مرگ بمر وقت او نرسد بعد از آنکه این پیر را بر خیال دید از وی پرسید
 که ای پیر چرا سبب باین منوال ضعیف گشته او گفت سبب کبر سن گفت عمر تو چه مقدار
 است آن پیر مقدار عمر خود و در سال زیاده از عمر ابراهیم بیان کرد پس آنحضرت با خود
 گفت که تا دو سال دیگر احوال من نیز باین منوال خواهد شد و آن پیر گفت آری

ابراهیم گفت خداوند ارجان من قبض من برای پیش از آنکه بایر بجبر و ضعف مبتلا
شوم پیر ریاضت و بحکم رب تعالی قبض روح آنحضرت صلوٰۃ اللہ علیہ فرمود
و آن پیر ملک الموت بود علیہ السلام و آنحضرت را در فرزند عیرون
نزد دینی بی سار و خاتون مدفون کردند کذا فی عریس امام تعبلی رحمتہ
اللہ علیہ

الحمد لله الله که ترجمه فارسی رساله عزلی خواجہ حسن بصری رحمۃ اللہ علیہ
در مطبع مصطفائی تباریخ ثبت پنجم محرم ۱۲۶۹ هجری محمد مصطفیٰ خان خلت حاج
محمد روشن خان عفا عنہما المنا طبع نموده

۲۳۶۲۳	فصل پنجم
الف ۴۶	فصل ششم
۱۵۱۰	فصل هفتم

+

+

1